

## رابطه هوش اخلاقی و جهت گیری خوش بینانه با اثربخشی دبیران زن

زهرا حدادی<sup>۱</sup>، عباس قلتاش<sup>۲\*</sup> و مسلم صالحی<sup>۲</sup>

### چکیده

هدف از این پژوهش تبیین رابطه هوش اخلاقی و جهت گیری خوش بینانه با اثربخشی دبیران زن دوره متوسطه شهرستان فیروزآباد بود. این پژوهش از نظر هدف؛ کاربردی، از نظر روش و شیوه گردآوری داده‌ها توصیفی از نوع همبستگی بوده است. جامعه آماری مورد مطالعه ۱۰۷ نفر از دبیران زن مشغول به تدریس دبیرستان‌های شهرستان فیروزآباد فارس در مهرماه ۱۳۹۳ بوده که به شیوه سرشماری مورد مطالعه قرار گرفته‌اند. برای گردآوری داده‌ها از پرسش‌نامه هوش اخلاقی لنینیک و کیل (۲۰۰۵) و پرسش‌نامه جهت گیری خوش‌بینی شپیر و کارور (۲۰۰۱) و پرسش‌نامه اثربخشی مقیمی و رمضان (۲۰۱۰) استفاده شده است. جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها از آزمون‌های آماری ضریب همبستگی پیرسون، آزمون کولموگروف-اسمیرنف تک نمونه‌ای (one-sample K-S) و آزمون تحلیل رگرسیون استفاده شده است. نتایج نشان داده‌اند که بین هوش اخلاقی و اثربخشی دبیران همبستگی آماری مستقیم و معناداری وجود دارد. بین هوش اخلاقی با ابعاد اثربخشی نیز همبستگی آماری مستقیم و معناداری بدست آمده است. بین خوش‌بینی با اثربخشی دبیران و ابعاد آن همبستگی آماری معناداری بدست نیامده است.

واژه‌های کلیدی: هوش اخلاقی، جهت گیری خوش بینانه، اثربخشی.

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد علوم تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت.

۲- استادیار گروه علوم تربیتی، واحد مرودشت، دانشگاه آزاد اسلامی، مرودشت، ایران.

\*- نویسنده مسئول مقاله: gholtash578@yahoo.com

## پیشگفتار

معلم به عنوان یکی از اثرگذارترین عناصر نظام تعلیم و تربیت تلقی می‌شود. در واقع، معلمان به عنوان مجریان برنامه درسی می‌توانند کمبودها و کاستی‌های برنامه‌های درسی تدوین شده را رفع نمایند و یا این که حتی اگر برنامه‌ای به بهترین حالت تدوین شده باشد اگر معلم اثربخشی و کارایی لازم را نداشته باشد، آن برنامه‌های مطلوب درسی را پوچ یا بی اثر نماید. به همین خاطر توجه به متغیرهای اثر گذار بر عملکرد معلم همواره یکی از مهم ترین دغدغه های پژوهشگران حوزه علوم تربیتی و علوم رفتاری می باشد.

در جامعه ما درصد زیادی از معلمان در دوره‌های تحصیلی به خصوص دوره ابتدایی را زنان تشکیل می دهند، برخی از کشورها در اصل تاکید بر این دارند که در دوره ابتدایی حتما خانم‌ها به عنوان معلم و مجریان برنامه‌های درسی خدمت نمایند چرا که این باور وجود دارد که دوره ابتدایی بویژه اول ابتدایی دانش آموز از محیط سرشار از محبت و صمیمیت خانواده به تازگی جدا شده و معلمان زن می‌توانند پاسخگوی بهتری برای عواطف و احساسات دانش آموزان در این دوره باشند، در واقع خانم‌ها به عنوان معلم افزون بر ایفای نقش معلمی، بهتر می‌توانند پاسخگوی نیازهای عاطفی از جمله نیاز به توجه باشند. دوره متوسطه نیز دانش آموزان با پدیده بلوغ روبه‌رو می‌شوند و این پدیده تحولات جسمانی و روانی را در پی خواهد داشت که معلمان افزون بر اجرای برنامه‌های درسی آشکار یا قصد شده بایستی نگران و مراقب هدایت و ارشاد گرایز نوظهور و ویژه نوجوان باشند، بنابراین خوش‌بینی معلمان و مقدار برخورداری از هوش اخلاقی می‌تواند فعالیت‌های حرفه‌ای آنان را تحت تاثیر قرار دهد.

بر اساس نتایجی که در دهه ۱۹۹۰ در دومین گردهمایی سازمان جهانی کار در زمینه شرایط کار معلمان برگزار شده است، این نتیجه بدست آمده که اثربخشی معلمان در کل جهان بویژه در کشورهای در حال توسعه مانند ایران، به مرحله بسیار پایینی تنزل کرده است (Pourzahir, Aminfar and Bagheri, 2009). اثربخشی آموزشی در ایران بویژه در دوره متوسطه که اندیشمندان این دوره را دوران طوفان، فشار و نقطه عطف زندگی نام نهاده‌اند و در گزارش نهایی اجلاس منطقه‌ای یونسکو به عنوان یک دوره انتقالی میان آموزش عمومی و غیر تخصصی و دوره آموزشی عالی معرفی شده است و در نظام تعلیم و تربیت کشورهای گوناگون جهان اهمیت استراتژیک دارد (Jourabchian, 1999)، کاهش یافته است (Shirbagi, 2013). بنابراین، اثربخشی معلمان در دوره متوسطه مسئله‌ای اجتماعی است.

اثربخشی معلمان، یک ساختار چند بعدی است که ابعادی همچون دانش، محتوا، آموزش معلم، ویژگی‌های شخصیتی، کلاس‌های فعال و پویا، مشارکت فعال در کلاس درس را در بر می‌گیرد. در جهان امروز معلم شایسته و اثربخش، معلمی است که بتواند در شغل خود آموزش‌های لازم را ببیند

و به رشد حرفه‌ای برسد و هم‌چنین، تجربیات زیادی را بدست آورد تا بتواند در پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان مؤثر واقع شود (Rikenberg, 2010). شایستگی معلم بدون برخورداری از هوش اخلاقی به نظر بی معنا خواهد بود. در واقع، همواره در بحث از صلاحیت‌ها و ویژگی‌های حرفه‌ای معلم برخورداری از هوش اخلاقی مورد تاکید قرار می‌گیرد. از آن‌جا که اثربخشی معلمان زن مقطع متوسطه در کشور ما کم‌تر مورد مطالعه قرار گرفته است، ضرورت پرداختن به مسئله اثربخشی معلمان زن مقطع متوسطه بنا به دلایلی از اهمیتی ویژه برخوردار است: ۱- هر گونه اصلاح و پیشرفتی در کیفیت نظام آموزشی و اثربخشی آموزشی به گونه مستقیم به اثر بخشی معلمان بستگی دارد و برای بهبودی نظام آموزش بایستی اثربخشی معلمان را افزایش داد؛ ۲- معلمان اثربخش قادرند یادگیری دانش‌آموزان را افزایش داده و از راه پاداش دادن به دانش‌آموزان و دادن امکانات بیش‌تر برای آموختن، سطح انگیزه آن‌ها را بالا ببرند زیرا معلمان می‌توانند با وجود کمبود امکانات و فضای آموزشی بستر لازم را برای یادگیری و رشد فراگیران تسهیل و فراهم کنند و با بکارگیری شیوه‌ها و الگوهای مناسب تدریس و روابط انسانی با فراگیران موجب رشد فکری، اجتماعی، عاطفی، اخلاقی و خلاقیت آنان شوند و فراگیران را برای ایفای نقش و پذیرش مسئولیت‌ها در جامعه آماده کنند؛ ۳- معلمان اثربخش قادرند قدرت تفکر دانش‌آموزان را پرورش داده، رشد آنان را تسهیل سازند و به خوبی از عهده اداره کلاس برآیند؛ ۴- پرداختن به موضوع اثربخشی معلمان و شناسایی زوایای مبهم و گه‌گاه تاریک آن، می‌تواند دریچه‌ای روشن به سوی شناخت کامل و همه‌جانبه از موضوع اثربخشی معلمان گشوده و زمینه را برای شناخت هرچه بهتر موضوع فراهم نماید؛ ۵- اثربخشی معلمان در تمامی سطوح تحصیلی آموزشی تأثیر دارد و باعث پیشرفت و یادگیری دانش‌آموزان می‌شود و حتی این اثربخشی زندگی آنان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. بنابراین، معلمان اثربخش، باعث ارتقاء دانش‌آموزان شده و بر مسیر پیشرفت آنان تأثیرگذار می‌باشند.

حال برای بهبود اثر بخشی معلمان مطالعه متغیرهای احتمالی اثر گذار بر آن ضرورت می‌یابد که به نظر متغیرهای هوش اخلاقی و جهت‌گیری معلم می‌تواند از این قبیل باشد. لنیک و کیل هوش اخلاقی را توانایی تشخیص درست از نادرست می‌دانند که با اصول جهانی سازگار است. هوش اخلاقی دارای ابعادی متفاوت است. لنیک و کیل (Lennick and keil) بر این باورند که هوش اخلاقی در برگزیده چهار بعد اصلی شامل درست‌کاری<sup>۱</sup>، مسئولیت‌پذیری<sup>۲</sup>،

1- Integrity

2- Responsibility

بخشش<sup>۱</sup>، دلسوزی<sup>۲</sup> و ده زیر مجموعه (شایستگی) یا مولفه های شایستگی شامل انسجام<sup>۳</sup>، صداقت<sup>۴</sup>، شجاعت<sup>۵</sup>، رازداری<sup>۶</sup>، انجام تعهدات فردی، مسئولیت پذیری (پاسخگویی) در برابر تصمیم های شخصی<sup>۷</sup>، خود کنترلی و خود محدودسازی<sup>۸</sup>، کمک به دیگران (قبول مسئولیت برای خدمت به دیگران<sup>۹</sup>، مراقبت از دیگران (مهربانی)<sup>۱۰</sup>، درک احساسات دیگران (بشر دوستی و رفتار شهروندی)<sup>۱۱</sup> و درک نیازهای روحی خود (ایمان، اعتقاد و تواضع)<sup>۱۲</sup> می باشد (لنیک و کیل، ۲۰۱۱). هوش اخلاقی شامل ترکیبی از دانش، تمایل و اراده است. این هوش شامل روشی است که ما فکر می کنیم، احساس می کنیم و عمل می کنیم. تشخیص درست از اشتباه به تنهایی ممکن نیست احساسات، مهارت ها یا اعمال ما را تغییر دهد (Rodney and Clarken, 2010).

سطح هوش اخلاقی مطلوب معلمان می تواند منجر به ایفای مؤثر نقش در توسعه اخلاقی دانش آموزان گردد. با این حال، می تواند از راه رهیافت هایی نظیر تشویق رفتار مبتنی بر اخلاق و وضعیت موجود را ارتقاء بخشند. هوش اخلاقی، خوش بینی و اثربخشی معلمان بر تفکر و باورهای دانش آموزان و تغییرات مثبت و سازنده در آن ها تأثیرگذار هستند. به دلیل اهمیت هوش اخلاقی، جهت گیری زندگی خوش بینانه و اثربخشی معلمان در رشد و ارتقاء دانش آموزان دوره متوسطه، ضرورت دارد که مؤلفه های مذکور در ارتباط با معلمان مورد مطالعه و بررسی قرار گیرد.

خوش بینی نیز به یک انتظار تعمیم یافته اشاره دارد که فرد بر اساس آن احساس می کند هنگام رویارویی با مشکلات، نتایج خوشایند رخ خواهد داد. این انتظار بیش تر حیطه های مهم زندگی فرد را پوشش می دهد (Noori and Saghaeibireya, 2009). ممکن است منظور از خوش بینی، خوش بینی سرشتی (گرایشی) باشد، یعنی انتظاری کلی برای وقوع رویدادهای خوش آیند در آینده (Carver & Scheier, 2003). کارور و شی یر با رویکرد دیگری به خوش بینی می نگرند. آن ها خوش بینی را یک انتظار فراگیر می دانند. انتظاری مبنی بر این که حوادث آینده مثبت خواهد بود. آن ها آزمون جهت گیری زندگی را برای اندازه گیری خوش بینی تدوین می کنند و خوش بینی و

1- Forgiveness

2- Compassion

3- Acting consistently (integrity)

4- Telling the truth (honesty)

5- Standing up for what is right (courage)

6- Keeping promises (trustworthy)

7- Taking responsibility for choices (responsibility)

8- Self-control and self-restraint (discipline and discretion)

9- Helping others (service)

10- Actively caring about others (kindness and friendliness)

11- Recognizing other's feelings (courtesy, humility, civility)

12- Recognizing spiritual needs (faith and reverence)

شادمانی را همبسته می‌داند (Hosseini Qomi, 2011).

از دیدگاه شخصیت، افراد می‌توانند به عنوان خوش‌بین یا بدبین<sup>۱</sup> در نظر گرفته شوند. خوش‌بین‌ها دیدگاه و گرایشی مطلوب نسبت به جهان داشته و انتظار دارند که زندگی بر وفق مراد آن‌ها باشد و یک باور کلی دارند که رویدادهای خوب در زندگی‌شان روی خواهد داد. بدبین‌ها در نقطه مقابل پیوستار قرار دارند و باور دارند که زندگی بر وفق مراد نبوده و رویدادهای بد برای آن‌ها روی خواهد داد. این صفات تقریباً در طول زمان ثابت بوده، مانند شخصیت در کل و از این رو، صفات سرشتی نامیده می‌شوند (کارور و شی، ۲۰۰۳).

بر اساس مدل شی‌یر و کارور خوش‌بینی و بدبینی به ترتیب به عنوان انتظار نتایج فراگیر، به گونه‌ای معنادار با سازگاری روان‌شناختی جوانان و افراد مسن ارتباط دارد. خوش‌بینی و بدبینی کیفیت‌های اساسی شخصیت هستند و بر چگونگی سازگاری افراد با حوادث زندگی اثر می‌گذارند. این دو عامل بر انتظارات ذهنی افراد در هنگام رویارویی با مشکلات و بر رفتار آن‌ها در هنگام غلبه بر مشکلات تاثیر می‌گذارند (Jelvani, Gholamali Lavasani, and Ejei, 2012). دیدگاه شییر و کارور از نظریه خودتنظیمی انگیزش و هیجان انسان نشأت گرفته است. این دو روان‌شناس باور دارند اگر فرد براساس ارزیابی‌های خود انتظار داشته باشد که رفتارش به موفقیت منجر شود، آن رفتار را بروز خواهد داد.

در این پژوهش خوش‌بینی به جهت‌گزینی معلمان، انتظارات امیدوار کننده موقعیتی یا تجارب کلی مثبت معلمان، میل به امیدواری یا باور معلمان به این که خیر در نهایت غالب می‌شود، اشاره دارد.

### پیشینه پژوهشی

صالحی و همکاران (Salehi, Gholtash and Azadmehr, 2013)، در پژوهشی با عنوان «رابطه اخلاق حرفه‌ای و هوش اخلاقی با رفتار شهروندی سازمانی دبیران زن دوره متوسطه آموزش و پرورش ناحیه ۲ شهر شیراز» به تبیین رابطه اخلاق حرفه‌ای و هوش اخلاقی با رفتار شهروندی سازمانی در دبیران زن دوره متوسطه ناحیه ۲ آموزش و پرورش شهر شیراز در سال تحصیلی ۹۲-۱۳۹۱ پرداخته‌اند. نتایج نشان داده‌اند که بین رفتار شهروندی و اخلاق حرفه‌ای رابطه‌ای مستقیم و معنادار وجود داشته؛ بین رفتار شهروندی و هوش اخلاقی رابطه‌ای مستقیم و معنادار وجود نداشته و همچنین، بین اخلاق حرفه‌ای و هوش اخلاقی نیز رابطه‌ای مستقیم و معنادار وجود داشته است. یافته‌های پژوهش نشان داده که از بین متغیرهای پیش‌بین (اخلاق حرفه‌ای و هوش

<sup>1</sup> - Pessimism

اخلاقی) تنها متغیر اخلاق حرفه‌ای قادر به پیش‌بینی رفتار شهروندی سازمانی بوده و از بین ابعاد اخلاق حرفه‌ای فقط بعد تعلق در اخلاق به گونه‌ای معنادار قادر به پیش‌بینی متغیر رفتار شهروندی بوده است.

رحیمی (2005, Rahimi)، در پژوهشی با عنوان «مفهوم هوش اخلاقی و اثربخشی در سازمان» به بررسی رابطه هوش اخلاقی و اثربخشی در سازمان پرداخته است. نتایج نشان داده‌اند که هوش اخلاقی یکی از مهم‌ترین عواملی است که می‌تواند بر اثربخشی تأثیر بگذارد. تأثیر هوش اخلاقی بر اثربخشی سازمان‌ها انکارناپذیر است.

مشروخی فرد و حسینی (2014, Mashroohifard and Hosseini)، در پژوهشی با عنوان «بررسی وضعیت هوش اخلاقی میان مدیران مدارس عمومی زنانه در منطقه ۴ تهران» به بررسی وضعیت هوش اخلاقی میان مدیران مدارس پرداخته‌اند. نتایج نشان داده‌اند که مولفه‌های هوش اخلاقی در هر چهار بعد (مسئولیت‌پذیری، بخشش، دلسوزی و درست‌کاری) در حد متوسطه بوده است. همچنین، نتایج نشان داده‌اند که بین سن، سطح تحصیلات، سابقه کار، تجربه مدیریت با هوش اخلاقی معلمان رابطه معناداری وجود نداشته است.

دبلیو یو (2005, Wu) پژوهشی با عنوان «بررسی رابطه بین اثربخشی آموزشی معلمان و اثربخشی مدارس متوسطه در کشور تایوان و جمهوری چین» انجام دادند که نتایج نشان داده‌اند که بین اثربخشی معلمان و اثربخشی سازمانی مدارس رابطه‌ای معناداری وجود دارد.

در همین راستا در این پژوهش به بررسی رابطه هوش اخلاقی و جهت‌گیری زندگی با اثربخشی دبیران زن شهرستان فیروزآباد پرداخته شده است.

۱- بین جهت‌گیری خوش بینانه زندگی دبیران زن مقطع متوسطه با اثربخشی آنان رابطه‌ای معنادار وجود دارد.

۲- بین هوش اخلاقی دبیران زن مقطع متوسطه با اثربخشی آنان رابطه‌ای معنادار وجود دارد.

۳- اثربخشی معلمان از راه ابعاد هوش اخلاقی و جهت‌گیری خوش بینانه قابل پیش‌بینی می‌باشد.

## روش شناسی پژوهش

این پژوهش از نظر هدف؛ کاربردی، به حسب روش و شیوه گردآوری داده‌ها؛ توصیفی از نوع همبستگی است.

جامعه آماری این پژوهش تمامی دبیران زن مشغول به تدریس دبیرستان‌های شهرستان فیروزآباد فارس در سال تحصیلی ۱۳۹۳ بوده اند که بر اساس آمار اولیه کسب شده از اداره آموزش و پرورش شهرستان تعداد ۱۰۷ نفر بودند که مبنای نمونه‌گیری قرار گرفته‌اند. در این پژوهش با

توجه به کم بودن تعداد افراد جامعه آماری، برای تعیین حجم نمونه آماری از شیوه تمام شماری استفاده شده است.

## ابزار گردآوری داده‌ها

ابزار گردآوری داده‌ها در این پژوهش پرسش‌نامه هوش اخلاقی لنینک و کیل (۲۰۰۵) و پرسش‌نامه جهت گیری خوش‌بینی کارور و شی (۲۰۰۳) و پرسش‌نامه اثربخشی مقیمی و رمضان (Moghimi and Ramezan, 2010) بوده است.

پرسش‌نامه اثربخشی در پژوهش مقیمی و رمضان (Moghimi and Ramezan, 2010) دارای ۲۱ پرسش بوده و هدف آن بررسی ابعاد گوناگون اثربخشی معلمان می‌باشد. شیوه نمره گذاری آن به این صورت است که به گزینه کاملاً مخالفم نمره ۱، به گزینه مخالفم نمره ۲، به گزینه نه موافقم نه مخالف نمره ۳، به گزینه موافقم نمره ۴ و به گزینه کاملاً موافقم نمره ۵ تعلق گرفته است و مجموع امتیازات ۲۱ پرسش به عنوان نمره اثربخشی در نظر گرفته شده است.

پرسش‌نامه هوش اخلاقی لنینک و کیل دارای ۴۰ پرسش بوده و هدف آن بررسی ابعاد گوناگون هوش اخلاقی می‌باشد. شیوه نمره گذاری آن به این صورت است که به گزینه کاملاً مخالفم نمره ۱، به گزینه مخالفم نمره ۲، به گزینه نه موافقم نه مخالف نمره ۳، به گزینه موافقم نمره ۴ و به گزینه کاملاً موافقم نمره ۵ تعلق گرفته است و مجموع امتیازها ۴۰ پرسش به عنوان نمره هوش اخلاقی در نظر گرفته شده است.

پرسش‌نامه جهت گیری خوش‌بینی کارور و شی (۲۰۰۳) دارای ۱۱ پرسش بوده و هدف آن بررسی جهت‌گیری زندگی خوش‌بینانه می‌باشد. شیوه نمره گذاری آن به این صورت است که به گزینه کاملاً مخالفم نمره ۱، به گزینه مخالفم نمره ۲، به گزینه نه موافقم نه مخالف نمره ۳، به گزینه موافقم نمره ۴ و به گزینه کاملاً موافقم نمره ۵ تعلق گرفته است و مجموع امتیازهای ۱۱ پرسش به عنوان نمره جهت‌گیری زندگی خوش‌بینانه در نظر گرفته شده است.

در بخش آمار استنباطی به تناسب نیاز برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از آزمون کولموگروف-اسمیرنف تک نمونه‌ای (one-sample K-S) برای تعیین نرمال بودن توزیع متغیر وابسته، ضریب همبستگی پیرسون جهت تعیین مقدار همبستگی بین هوش اخلاقی و خوش‌بینی با اثربخشی دبیران، آزمون رگرسیون چندمتغیره جهت پیش‌بینی متغیر ملاک اثربخشی دبیران زن مشغول به تدریس دبیرستان‌های شهرستان فیروزآباد فارس بر حسب متغیرهای پیش‌بین هوش اخلاقی و جهت‌گیری زندگی استفاده شده است.

## یافته‌ها

پیش از پرداختن به بررسی و آزمون فرضیه‌های پژوهش، بمنظور تبیین بهتر وضعیت گروه‌های مورد بررسی و حصول اطمینان از رعایت پیش شرط‌های اجرای آزمون‌های پارامتری بکار رفته به بررسی توزیع نرمال متغیرهای مورد بررسی پژوهش با استفاده از آزمون کولموگروف-اسمیرنوف تک نمونه‌ای (K-S) پرداخته شده است. این آزمون به عنوان یک آزمون توزیع داده‌های کمی با توزیع‌های پیش فرض از جمله توزیع نرمال می‌باشد. اساس این روش بر اختلاف فراوانی تجمعی نسبی مشاهده‌ها با مقدار مورد انتظار تحت فرض صفر است.

جدول ۱- مقدار آزمون کولموگروف-اسمیرنوف تک نمونه‌ای برای نرمال بودن توزیع متغیر اثربخشی معلمان، هوش اخلاقی و جهت‌گیری زندگی معلمان.

متغیر وابسته	تعداد	میانگین	مقدار آزمون K-S	Sig
اثربخشی معلمان	۱۰۷	۸۶/۸۴	۰/۸۰۲	۰/۵۴۲
هوش اخلاقی	۱۰۷	۱۶۱/۰۲	۱/۱۱	۰/۱۷۲
جهت‌گیری زندگی	۱۰۷	۲۴/۴۱	۱/۱۰	۰/۱۷۷

نتایج بدست آمده از پژوهش در جدول ۱ نشان می‌دهد که با توجه با این که مقدار آزمون کولموگروف-اسمیرنوف تک نمونه‌ای برای هر یک از متغیرهای اثربخشی، هوش اخلاقی و جهت‌گیری زندگی معلمان در سطح خطای کم‌تر از ۰/۰۵ معنادار نیست، می‌توان گفت توزیع داده‌های متغیرهای یاد شده نرمال بوده است.

**فرضیه ۱:** بین هوش اخلاقی دبیران زن دوره متوسطه و اثربخشی آنان رابطه معناداری وجود دارد. با توجه به رابطه‌ای بودن نوع فرضیه، فاصله‌ای بودن سطح سنجش متغیر مستقل هوش اخلاقی و فاصله‌ای بودن سطح سنجش متغیر وابسته اثربخشی و ابعاد آن، جهت سنجش همبستگی بین متغیرها از آزمون ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است که نتایج در جدول زیر آورده شده است.



جدول ۲- ضریب همبستگی پیرسون برای تعیین ارتباط بین متغیرهای بین هوش اخلاقی و اثربخشی.

سطح	ضریب همبستگی	تعداد	متغیر	
معناداری	پیرسون	پاسخگویان	وابسته	مستقل
۰/۰۰۰	۰/۶۲۹	۱۰۷	مدیریت و ارزیابی	هوش
۰/۰۰۰	۰/۵۸۸	۱۰۷	مهارت آموزشی و کنترلی	اخلاقی
۰/۰۰۰	۰/۵۴۷	۱۰۷	حمایت آموزشی و عاطفی	
۰/۰۰۰	۰/۴۰۵	۱۰۷	مسئولیت‌پذیری	
۰/۰۰۰	۰/۴۶۷	۱۰۷	سازماندهی کلاس	
۰/۰۰۰	۰/۶۹۰	۱۰۷	اثربخشی	

نتایج حاصل از پژوهش در جدول ۲ نشان می‌دهد که با توجه به مقدار ضریب همبستگی پیرسون (۰/۶۹۰) که در سطح خطای کم‌تر از ۰/۰۵ معنادار می‌باشد، بین هوش اخلاقی و اثربخشی دبیران همبستگی آماری مستقیم، قوی و معناداری وجود دارد. بنابراین، می‌توان گفت با افزایش مقدار هوش اخلاقی دبیران، اثربخشی آنان نیز به مقدار زیادی افزایش خواهد یافت. همچنین، نتایج نشان داده‌اند که بین هوش اخلاقی و هر یک از ابعاد اثربخشی دبیران از جمله مدیریت و ارزیابی، مهارت آموزشی و کنترلی، حمایت آموزشی و عاطفی، مسئولیت‌پذیری و سازماندهی کلاس به وسیله دبیران همبستگی آماری مستقیم، قوی و معناداری وجود دارد.

**فرضیه ۲:** بین جهت‌گیری زندگی خوش‌بینانه دبیران زن دوره متوسطه و اثربخشی آنان رابطه معناداری وجود دارد.

با توجه به رابطه‌ای بودن نوع فرضیه، فاصله‌ای بودن سطح سنجش متغیر مستقل جهت‌گیری زندگی خوش‌بینانه و فاصله‌ای بودن سطح سنجش متغیر وابسته اثربخشی و ابعاد آن، جهت سنجش همبستگی بین متغیرها از آزمون ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است که نتایج در جدول زیر آورده شده است.

جدول ۳- ضریب همبستگی پیرسون برای تعیین ارتباط بین متغیرهای جهت گیری زندگی خوش بینانه و اثربخشی دبیران.

سطح	ضریب همبستگی	تعداد	متغیر	
			وابسته	مستقل
معناداری	پیرسون	پاسخگویان	مدیریت و ارزیابی	جهت گیری زندگی
۰/۶۱۲	۰/۰۵۰	۱۰۷	مهارت آموزشی و کنترلی	خوش بینانه
۰/۸۰۷	-۰/۰۲۴	۱۰۷	حمایت آموزشی و عاطفی	
۰/۹۲۲	۰/۰۱۰	۱۰۷	مسئولیت پذیری	
۰/۵۸۹	۰/۰۵۳	۱۰۷	سازماندهی کلاس	
۰/۸۲۳	۰/۰۲۲	۱۰۷	اثربخشی	
۰/۸۰۹	۰/۰۲۴	۱۰۷		

جدول ۳ نشان می دهد که با توجه به مقدار ضریب همبستگی پیرسون (۰/۰۲۴) که در سطح خطای کم تر از ۰/۰۵ معنادار نمی باشد، می توان گفت بین جهت گیری زندگی خوش بینانه، سن و اثربخشی دبیران همبستگی آماری معناداری وجود ندارد.

هم چنین، نتایج نشان داده اند که بین جهت گیری زندگی خوش بینانه و ابعاد اثربخشی دبیران از جمله مدیریت و ارزیابی، مهارت آموزشی و کنترلی، حمایت آموزشی و عاطفی، مسئولیت پذیری و سازماندهی کلاس به وسیله دبیران همبستگی آماری معناداری وجود ندارد.

برای مطالعه مقدار پیش بینی کنندگی متغیرهای مستقل احساس مسئولیت، دلسوزی، درست کاری، بخشش و گذشت، جهت گیری زندگی خوش بینانه، دبیران از متغیر ملاک یا همان اثربخشی دبیران و هم چنین، تبیین واریانس اثربخشی دبیران به وسیله متغیرهای پیش بین از تحلیل رگرسیون چندمتغیره به روش گام به گام<sup>۱</sup> استفاده شده است.

در این روش متغیرهای گوناگون به ترتیب مقدار اهمیت در تبیین واریانس متغیر وابسته وارد معادله می شوند. متغیرهایی که تأثیری در توضیح متغیر وابسته نداشته باشند، خارج از معادله قرار می گیرند. از آن جایی که متغیرهای وارد شده به تحلیل رگرسیون چندمتغیره باید در سطح فاصله- ای باشند، متغیرهای اسمی به صورت تصنعی<sup>۲</sup> به متغیرهای فاصله ای تبدیل شده اند. نتایج رگرسیون در جدول ۴ آورده شده است:

1- Stepwis

2- Dummy

جدول ۴- نتایج آزمون تحلیل رگرسیون چندمتغیره عوامل مؤثر بر اثربخشی دبیران زن دوره متوسطه شهرستان فیروزآباد فارس.

ردیف	متغیرهای پیش‌بینی‌کننده	Beta	T	Sig	R	R <sup>2</sup>	R <sup>2</sup> .adj	F	Sig
۱	درست‌کاری	۱/۴۳	۹/۰۶	۰/۰۰۰	۰/۶۶۲	۰/۴۳۹	۰/۴۳۳	۸۲/۰۷	۰/۰۰۰
۲	درست‌کاری	۰/۹۹۸	۵/۱۴	۰/۰۰۰	۰/۷۰۶	۰/۴۹۸	۰/۴۸۸	۵۱/۵۳	۰/۰۰۰
	احساس مسئولیت	۰/۵۳۳	۳/۵۰	۰/۰۰۱					
۳	درست‌کاری	۰/۹۲۸	۴/۹۰	۰/۰۰۰	۰/۷۳۱	۰/۵۳۴	۰/۵۲۱	۳۹/۴۱	۰/۰۰۰
	احساس مسئولیت	۰/۵۶۰	۳/۷۹	۰/۰۰۰					
	سن	-۰/۳۳۵	۲/۸۵	۰/۰۰۵					

مرحله ۱: نتایج بدست آمده از پژوهش در جدول ۴، نشان می‌دهد که با توجه به مقدار ضریب تعیین تعدیل شده ( $R^2_{adj}=0/433$ )، قوی‌ترین متغیر پیش‌بینی‌کننده در اثربخشی دبیران زن دوره متوسطه شهرستان فیروزآباد فارس، متغیر درست‌کاری است. این متغیر به تنهایی  $43/3$  درصد از واریانس اثربخشی دبیران زن دوره متوسطه شهرستان فیروزآباد فارس را تبیین کرده است. مرحله ۲: در این مرحله متغیر احساس مسئولیت دبیران وارد معادله رگرسیونی شده است. مقدار ضریب تعیین تعدیل شده ( $R^2_{adj}=0/488$ ) نشان می‌دهد که با ورود متغیر احساس مسئولیت دبیران،  $5/5$  درصد به قدرت پیش‌بینی مدل افزوده شده است و مجموع دو متغیر درست‌کاری، احساس مسئولیت دبیران، توانسته‌اند  $48/8$  درصد از عوامل تأثیرگذار بر اثربخشی دبیران زن دوره متوسطه شهرستان فیروزآباد فارس را تبیین نمایند.

مرحله ۳: در این مرحله متغیر سن دبیران وارد معادله رگرسیونی شده است. مقدار ضریب تعیین تعدیل شده ( $R^2_{adj}=0/521$ ) نشان می‌دهد که با ورود متغیر سن دبیران،  $3/3$  درصد به قدرت پیش‌بینی مدل افزوده شده است و مجموع سه متغیر درست‌کاری، احساس مسئولیت و سن دبیران، توانسته‌اند  $52/1$  درصد از عوامل تأثیرگذار بر اثربخشی دبیران زن دوره متوسطه شهرستان فیروزآباد فارس را تبیین کنند و  $47/9$  درصد باقی‌مانده، به عوامل دیگری بستگی دارد که خارج از این متغیرهاست. مقدار ضریب بتای متغیر سن ( $Beta=-0/335$ )، بیانگر رابطه معکوس بین متغیر سن و مقدار اثربخشی دبیران زن دوره متوسطه شهرستان فیروزآباد فارس است.

به بیان دیگر، هر چه سن دبیران زن دوره متوسطه شهرستان فیروزآباد فارس بالاتر رود، مقدار اثربخشی آنان کمتر می‌گردد. مقدار آزمون  $F$  ( $F=17/95$ )، که در سطح خطای کمتر از  $0/01$  و سطح اطمینان  $95\%$  معنی‌دار می‌باشد نشان می‌دهد، مدل رگرسیونی پژوهش مرکب از سه متغیر

مستقل درست کاری، احساس مسئولیت و سن دبیران و یک متغیر وابسته اثربخشی دبیران زن دوره متوسطه شهرستان فیروزآباد فارس مدل خوبی بوده و مجموعه متغیرهای مستقل قادرند تغییرات اثربخشی دبیران را تبیین نمایند.

## بحث و نتیجه گیری

امروزه اثربخشی به شکلی عمیق در ادبیات سازمانی جای گرفته است و به عنوان موضوع اصلی در تمامی تجزیه و تحلیل‌های سازمانی در نظر گرفته می‌شود. بررسی اثربخشی معلمان و عوامل مرتبط بر افزایش و کاهش آن در نظام آموزش و پرورش به عنوان رکن اصلی جامعه از اهمیتی فراوان برخوردار است. بدین منظور، این پژوهش به بررسی رابطه هوش اخلاقی و جهت‌گیری زندگی خوش‌بینانه با اثربخشی دبیران زن شهرستان فیروزآباد و همچنین، بررسی تأثیر ویژگی‌های فردی و هویتی دبیران بر اثربخشی آنان در بین دبیران زن دوره متوسطه شهرستان فیروزآباد فارس پرداخته است. چارچوب نظری این پژوهش یک رهیافت ترکیبی است که بر الگوگیری از نظریات خوش‌بینی (جهت‌گیری زندگی) شی‌یر و کارور، هوش اخلاقی لنینک و کیل، الگوگیری از مدل رهبری اثربخش هرسی و بلانچارد و مدل (CLASS) مبتنی است.

مرور چارچوب نظری پژوهش و تحلیل یافته‌های مرتبط با هوش اخلاقی، نشان می‌دهد که بین هوش اخلاقی و اثربخشی دبیران همبستگی آماری مستقیم، قوی و معناداری وجود دارد. همچنین، نتایج نشان داده‌اند که بین هوش اخلاقی و هر یک از ابعاد اثربخشی دبیران از جمله مدیریت و ارزیابی، مهارت آموزشی و کنترلی، حمایت آموزشی و عاطفی، مسئولیت‌پذیری و سازماندهی کلاس به وسیله دبیران همبستگی آماری مستقیم، قوی و معناداری وجود دارد. این یافته‌ها در این پژوهش، همگام و همخوان با نتایج پژوهش‌های رحیمی (Rahimi, 2005) و زکی (Zaki, 2010) است.

تحلیل یافته‌های مرتبط با جهت‌گیری زندگی خوش‌بینانه، نشان می‌دهد که بین جهت‌گیری زندگی خوش‌بینانه و اثربخشی دبیران همبستگی آماری معناداری وجود ندارد. همچنین، نتایج نشان داده‌اند که بین جهت‌گیری زندگی خوش‌بینانه و ابعاد اثربخشی دبیران از جمله مدیریت و ارزیابی، مهارت آموزشی و کنترلی، حمایت آموزشی و عاطفی، مسئولیت‌پذیری و سازماندهی کلاس به وسیله دبیران همبستگی آماری معناداری وجود ندارد.

تحلیل یافته‌های مرتبط با ویژگی‌های فردی دبیران، نشان می‌دهد که بین سابقه تدریس و اثربخشی دبیران همبستگی آماری مستقیم، ضعیف و معناداری وجود دارد. بنابراین، می‌توان گفت با بالا رفتن سابقه تدریس دبیران، اثربخشی آنان نیز به مقدار کمی افزایش خواهد یافت. همچنین، نتایج نشان داده‌اند که بین سابقه تدریس دبیران و ابعاد مدیریت و ارزیابی و سازماندهی کلاس به وسیله دبیران همبستگی آماری مستقیم، ضعیف و معناداری وجود دارد، اما بین سابقه تدریس

دبیران و ابعاد مهارت آموزشی و کنترلی، حمایت آموزشی و عاطفی و مسئولیت‌پذیری دبیران همبستگی آماری معناداری بدست نیامده است.

تحلیل یافته‌های مرتبط با ویژگی‌های فردی دبیران، نشان می‌دهد که بین سن دبیران زن دوره متوسطه شهرستان فیروزآباد فارس و اثربخشی آنان همبستگی آماری معکوس، ضعیف و معناداری وجود دارد. هم‌چنین، نتایج نشان داده‌اند که بین سن دبیران و ابعاد مدیریت و ارزیابی و مسئولیت‌پذیری دبیران همبستگی آماری معکوس، ضعیف و معناداری وجود دارد، اما بین سن دبیران و ابعاد مهارت آموزشی و کنترلی، حمایت آموزشی و عاطفی و سازماندهی کلاس به وسیله دبیران همبستگی آماری معناداری بدست نیامده است.

به هر حال، آنچه از مجموع نتایج می‌توان برداشت کرد این است که پدیده‌های اجتماعی معلول به عامل‌های متعددی هستند و پیچیدگی خاصی در آن‌ها دیده می‌شود که نتایج هر پژوهش بنا به زمان و مکان تغییر پیدا می‌کند. آنچه می‌توان در نهایت بیان داشت این است که اثربخشی دبیران با در نظر داشتن عوامل اجتماعی دیگر در کنار مؤلفه‌های هوش اخلاقی و ویژگی‌های فردی دبیران به خوبی قابل تبیین می‌باشد و یافته‌های تجربی این پژوهش ادبیات نظری مورد مطالعه را تأیید می‌کند.

بر اساس یافته‌های پژوهش پیشنهادهای اجرایی زیر مطرح می‌شود:

بر اساس نتایج رگرسیون چند متغیره و نقش مؤثر درست‌کاری و احساس مسئولیت در اثربخشی دبیران، پیشنهاد می‌شود با توجه به این که پذیرش مسئولیت، انتخابی آگاهانه است، در برنامه‌های آموزشی و دوره‌های ضمن خدمت دبیران نسبت به آموزش و تقویت روحیه مبتنی بر احساس مسئولیت بیش‌تر دبیران و درست‌کاری آنان اقدام شود تا از راه ایجاد یک الزام و تعهد درونی برای دبیران، آنان را برای انجام مطلوب همه فعالیت‌های آموزشی و تربیتی که بر عهده آن‌ها گذاشته، آماده نمایند. بدین ترتیب با افزایش مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی در دبیران، آنان ضمن توجه به مقررات آموزشی و تربیتی به ارزیابی تجربه‌های خویشتن و رسیدن به نتیجه‌گیری‌های واقع‌گرایانه آن تجربه‌ها پرداخته و الگوی رفتاری، تربیتی و آموزشی مناسبی را بر می‌گزینند که منجر به افزایش اثربخشی آنان می‌گردد.

۲- بر اساس یافته‌های پژوهش در ارتباط با رابطه متغیر هوش اخلاقی دبیران با اثربخشی آنان، پیشنهاد می‌شود تا در نظام آموزش و پرورش توجه ویژه‌ای به تقویت ابعاد هوش اخلاقی دبیران و الگوسازی دبیران برجسته در زمینه اخلاق از راه انتشار زندگی‌نامه و برگزاری همایش در این مورد شود. چرا که بهبود هوش اخلاقی موجب افزایش تعهد و مسئولیت‌پذیری بیش‌تر دبیران و بهبود کارایی فردی و اثربخشی دبیران می‌شود.

۳- بر اساس یافته‌های پژوهش در ارتباط با رابطه معکوس سن دبیران با اثربخشی آنان پیشنهاد می‌شود در مدارس از نیروهای جوان و با انگیزه و توان کاری بالا استفاده گردد و پژوهش‌های بیشتری در ارتباط با تأثیر و ارتباط ویژگی‌های فردی دبیران با اثربخشی آنان صورت گیرد. همچنین، با توجه به نوع جامعه‌آماری که دبیران زن بودند و حساسیت زنان به متغیرهای جمعیت‌شناختی از جمله سن پژوهش‌های دیگری در مورد بررسی رابطه ویژگی‌های فردی با اثربخشی دبیران در مقاطع گوناگون و به صورت همزمان انجام شود و نتایج پژوهش با یکدیگر مقایسه گردد.

### References

- Carver, C. S. & Scheier, M. F. (2003). Optimism. In S. J. Lopez & C. R. Snyder (Eds.), *Positive psychological assessment: A handbook of models and measures* (pp. 75–89). (Washington, DC: American Psychological Association
- Hosseini Qomi, T. (2011). *Positive Psychology*. Quarterly Journal of Counseling, Vol 6, No 3, pp 62-64. (in Persian).
- Jelvani, R. Gholamali Lavasani, M. & Ejei, J. (2012). The Study of effectiveness of Cognitive- Behavioral Instruction on Orientation and Mental Properly of female. Quarterly Journal of Psychology Sciences, Vol 12, No 45, pp32-50. (in Persian).
- Jourabchian, M. (1999). *The study of relationship between Management Style and Effectivness of Qom High School*. M.A Thesis, Unpublished, Tehran University. (In Persian).
- Mashrouhi Fard, N. & Hosseini, S.R. (2014). *Examining the Status of Moral Intelligence among Principals of Public Female School Principals in the Fourth District in Tehran*. Martini vol.5, no. 2, page 107-113.
- Noori, N. Saghaei Bireya, N. (2009). *The Relationship between nature Orientation and Life Satisfaction in Islam*. Quarterly Journal Of Psychology and Religion, Vol 7, pp29-68. (In Persian).
- Moghimi, M. Ramezan, M. (2010). *Management Research*. Vol12. Tehran: Rahdan. (in Persian).
- RahimiGh, R. (2005). *The Implication of Moral Intelligence and Effectiveness in Organization; Are They Interrelated?* International Journals of Marketing and Technology, Vol 1, Issue 4.
- Reikenberg, B.S. (2010). *The relationship between student perception of Teachers and Classrooms. Teachers goal toward teaching, and student ratings of Teachers Effectiveness*. PH.D Thesis, Unpublished. Texas University. <http://hdl.handle.net/2152/ETD-UT-2010-05-894>
- Rodney., H. Clarcken, (2010). *Moral intelligence*, Northern Michigan University education, paper presented at the annual meeting of the. school of American Educational research Association, Denver, co, April 30-May4, and p: 1, 5, and 6-14-15-Batstone

- 
- Salehi, M. Gholtash, A. & Azadmehr, A. (2010). The Effect of Information and Communication Technology on effectiveness and Creativity of High school Teachers. Quarterly Journal of Information and Communication Technology in Educational Sciences, Vol 1, No 2, pp 49-62. (In Persian).
  - Shirbagi, N. Mohammadi, & F. Mohammadi, J. (2013). The Study of Relationship between teachers Cognition from the Aims and Educational effectiveness. Quarterly Journal of Educational Planning studies, Vol 2, No 3, pp 139-170. (In Persian).
  - Taghipour, A. Aminfar, M . & Bagheri, S. (2009). The study and Comparison of teacher s Effectiveness'. Quarterly Journal of Educational Administration Research, Vol, 2, Winter 2009, pp 37-56. (In Persian).
  - Wu. RT, Y. (2005). Relationship between teachers teaching effectiveness and school effectiveness in comprehensive high school in Taiwan & republic of china. The international Congress of school effectiveness and improvement .Barcelona, Spain, Jan 2005. 2005.
  - Zaki, M. (2010). The Relationship Between effectiveness' of School and instructional Characteristics of Teachers. Quarterly Journal of Humanities, Islamic Education, No 80, pp 147-172. (in Persian)

